



## نگاهی به قومیت مردان در خانواده

پدیدآورنده (ها) : نوری، اعظم

علوم اجتماعی :: نشریه مطالعات قرآنی نامه جامعه :: شهریور ۱۹۳۱ -  
شماره ۹۶ از ۸۱ تا ۲۵ آدرس ثابت :

<https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/۱۲۵۰۴۷۱>

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، براین اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و برگرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه **قوانین و مقررات** استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور



## نگاهی به فواید مردان در خانواده

« اعظم نوری »

اشاره

در دیدگاه اسلام، باورها و عقاید دینی، رکن مهمی در تشکیل خانواده و استمرار و پویایی آن محسوب می‌شود. قرآن کریم نیز در صورتی اعضای خانواده را به صورت یک جمع می‌پذیرد و ارزش خانوادگی برای آن قائل می‌شود که شرط ایمان در آن خانواده برقرار باشد.<sup>(۱)</sup>

یکی از مسائل مهم در خانواده که پذیرش آن، نقش مهمی در بقا و استواری آن دارد؛ مسئله ریاست و قوامیت مردان بر خانواده است که از نظر متون دینی و توصیه‌های اولیای دین، امری مقبول و پذیرفته و به پیروی از شرع مقدس، در ماده ۱۱۰۵ قانون مدنی نیز مقرر شده است؛ با این حال، در این زمینه شبهات و سؤالاتی در جامعه وجود دارد که متأسفانه در برخی موارد برخوردهای نامناسب آن، این اصل مهم را مخدوش می‌سازد و سبب ایجاد مشکلاتی در خانواده می‌شود. به عبارتی می‌توان گفت، منشأ بخش مهمی از اختلاف‌ها، ناهنجاری‌ها و بی‌ثباتی‌های موجود در خانواده که در نهایت ممکن است به تزلزل و از هم پاشیدگی نهاد خانواده منجر شود، ریشه در ناآشنایی یا بدفهمی این قاعده حقوقی و شرعی دارد. گاه ریاست مرد در خانواده، تنها جنبه شعاری و غیر کاربردی به خود می‌گیرد و مردان نمی‌توانند در این مورد به وظایف و مسئولیت‌های خود در قبال همسر و فرزندان‌شان به خوبی عمل کنند. گاهی نیز ریاست و تسلط مرد در خانواده به گونه‌ای است که نقش مهم و حساس زن در خانواده به دلیل برداشت‌های نادرست از این امر، نادیده انگاشته و به زورمداری مردانه در خانواده کشانده می‌شود؛ اما در حقیقت آنچه از معنای قوام بودن مرد بر زن - به دور از پیرایه‌های افراطی و تعصبات ناروا - براساس قرآن کریم: ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَ بِمَا أَنْفَقُوا﴾<sup>(۱)</sup> می‌توان برداشت کرد، مدیریت و مسئولیت ویژه مرد در خانواده است.

### ■ معنای قوامیت

«قوامون» جمع قوام و صیغه مبالغه از ماده قیام است. در جایگاه‌های مختلف و بنا بر قرینه‌های کلامی، معانی مخصوصی از قیام به معنای ایستادن استفاده می‌شود، اما معنای عام آن، نهادن تصدی و تدبیر و ریاست کاری بر عهده کسی است. اگر قوامیت را به ریاست نیز معنا کنیم، ذکر این نکته ضروری است که در اندیشه دینی، در واقع رئیس هر گروه، خادم آن‌ها<sup>(۲)</sup> و موظف است مسئولیتی بیش از دیگران را بر عهده بگیرد. بنابراین وقتی قرآن کریم مرد را به

عنوان «قوام» در خانواده معرفی می‌کند، از سویی مسئولیت بزرگی را بر عهده او قرار می‌دهد؛ به این معنا که مسئولیت تمام امور مادی و معنوی خانواده را بر عهده مرد می‌گذارد و از سویی دیگر، بقیه اعضای خانواده را به اطاعت و قبول چتر حمایتی او دعوت می‌کند.

### ■ آیا ریاست در خانواده امری ضروری است؟

هر مجموعه برای برقراری نظم و رسیدن به اهداف مورد نظر، نیازمند مسئولی با کفایت و دارای حسن تدبیر است؛ زیرا ضعف در تدبیر امور و بی‌توجهی و بی‌کفایتی مسئول، موجب سقوط و انهدام آن مجموعه می‌شود. در جوامع انسانی، سازمانی که همه اعضای آن از نظر مسئولیت در یک رتبه باشند، دیده نمی‌شود. خانواده نیز به عنوان یک نهاد اجتماعی از این امر مستثنا نیست؛ بلکه از آن جهت که خانواده حریم امن انسان‌ها و محل ارتباط خاص عاطفی و اخلاقی و تربیتی است و مانند اجتماعات بزرگ انسانی، با مسائل مختلفی همچون اقتصاد، فرهنگ، نزاع و خصومت و... روبه‌رو است، ریاست پذیری آن نیز از اهمیت و ظرافت خاصی برخوردار است.

از نظر بسیاری از صاحب‌نظران مباحث خانواده، وجود سلسله مراتب در خانواده یکی از مهم‌ترین محورهای سلامت و موفقیت خانواده است.<sup>(۳)</sup> برای مثال قدرت و اختیار بیشتر والدین نسبت به فرزندان در خانواده، راهی برای تربیت و مدیریت هر چه بهتر فرزندان است. تعالیم اسلام برای نهادینه شدن این امر، حفظ اقتدار والدین، تسهیل نقش مهم آن‌ها در کارایی خانواده و تشویق فرزندان به پذیرش این اقتدار، برخی عبادت‌ها را در صورت ناخشنودی والدین، نادرست اعلام می‌کند و رضایت خدا را منوط به رضایت والدین می‌داند که خشم و ناخشنودی آن‌ها از فرزند، موجب خشم و غضب خداوند می‌شود.<sup>(۴)</sup> تعالیم اسلام، ضمن تأکید بر اقتدار والدین، در روابط زن و شوهر نیز به مرد اقتدار بیشتری می‌دهد. این امر در قوانین مدنی سوئیس و ایتالیا و بسیاری از کشورهای دیگر نیز دیده می‌شود و خانواده به صورت گروهی منظم به ریاست مرد اداره می‌شود.<sup>(۵)</sup>



حال با نادیده انگاشتن وظایف خاص مرد در اداره خانواده، مانند تأمین مخارج اقتصادی، این سؤال مطرح می‌شود که آیا می‌توان مدیریت تنظیم امور خانواده را به گونه‌ای مساوی میان زن و مرد تقسیم نمود؟ پاسخ به این سؤال، پرسش‌های متعدد دیگری را مطرح می‌کند؛ سؤالاتی همچون اینکه اختلاف سلیقه‌ها کجا باید حل شود؟ آیا می‌توان برای حل هر مشکلی هر چند کوچک، راهی دادگاه شد؟ فرزندان در این شرایط چه وضعیتی پیدا می‌کنند؟ در صورت کشمکش مداوم والدین برای حل اختلافات، تربیت فرزندان به کجا خواهد انجامید؟

باید توجه داشت که اگر خانواده دارای ریاست واحدی نباشد، زن و مرد ناچارند برای حل اختلافات در هر مورد جزئی به مراجع بالاتر رجوع کنند که این امر به طور طبیعی، به انسجام و روابط مطلوب در خانواده آسیب می‌رساند.

این مسئله در حکومت داری اسلامی نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ چنانچه امام علی علیه السلام می‌فرماید: «مردم از داشتن امیری خواه نیک و بد، ناگزیرند»<sup>(۴)</sup> در چنین شرایطی است که با توجه به جایگاه و موقعیت خاص خانواده، وجود فردی که ریاست را برعهده داشته باشد، لازم می‌شود.

### ■ قرآن و قوامیت مردان بر زنان

بیشتر مفسران معتقدند، در میان آیات قرآن کریم، آیه ۳۴ سوره نساء، تنها آیه‌ای است که به صراحت از قوامیت مردان بر زنان سخن گفته است. برخی از مفسران نیز عقیده دارند علاوه بر این آیه شریفه، آیات دیگری از قرآن کریم نیز بر این مسئله دلالت دارد.

قرآن می‌فرماید: «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ»<sup>(۵)</sup> «مردان، سرپرست زنانند، به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و [نیز] به دلیل آنکه از اموالشان خرج می‌کنند».

کلمه «قیم» به معنای آن کسی است که مسئول قیام به امر شخصی دیگر است و کلمه «قوام» مبالغه در همین قیام است و

مراد از عبارت «بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ» آن زیادت‌هایی است که خدای تعالی به مردان داده به حسب طاقتی که بر اعمال دشوار و امثال آن دارند و مراد از جمله «بِمَا أَنْفَقُوا» مهریه‌ای است که مردان به زنان می‌دهند و نقه‌ای که همواره به آنان می‌پردازند. از عمومیت علت به دست می‌آید که حکمی که مبتنی بر آن علت است؛ یعنی قیم بودن مردان بر زنان عمومیت دارد و منحصر به شوهر نسبت به همسر نیست؛ بلکه حکمی است که برای نوع مردان بر نوع زنان جعل شده است. البته در جهات عمومی مثل حکومت و قضا که حیات جامعه بستگی به آن‌ها دارد و قوام این دو مسئولیت یا این دو مقام، بر نیروی تعقل است که در مردان بالطبع بیشتر و قوی‌تر است تا در زنان؛ همچنین دفاع از سرزمین با اسلحه که قوام آن بر داشتن نیروی بدنی و عقلی است که هر دوی آن‌ها در مردان بیشتر است تا زنان.

قیمومیت مرد بر زنش به این نیست که سلب آزادی از اراده زن و تصرفاتش در آنچه مالک آن است بکند و استقلال زن را در حفظ حقوق فردی و اجتماعی او و دفاع از منافعش سلب کند؛ بلکه معنای قیمومیت مرد به خاطر پرداخت هزینه زندگی زن و همه چیزهایی که متعلق به حق شوهر است می‌باشد. لذا دامنه استقلال و آزادی زنان تا آنجایی گسترده است که با حق شوهر مزاحمت نداشته باشد.<sup>(۶)</sup>

### ■ دامنه قوامیت شوهر بر زن

اگر چه قوام بودن و ریاست شوهر بر خانواده، نوعی تکلیف و مسئولیت و راهکاری عملی برای حفظ بنیان خانواده است؛ با این حال برای آن، قلمرو و محدوده خاصی نیز تعیین شده است.

از آنجا که شوهر رییس خانواده است، این امر دارای آثار و نتایجی است؛ زن حق دارد نام خانوادگی شوهر را با موافقت او به کار برد.<sup>(۷)</sup> اقامتگاه زن اصولاً همان اقامتگاه شوهر است.<sup>(۸)</sup> همچنین ریاست خانواده ایجاب می‌کند که ولایت قهری نسبت به اطفال، از آن پدر بوده و هم او هزینه اداره خانواده را به عهده داشته باشد.<sup>(۹)</sup> اختیار تعیین مسکن نیز اصولاً با اوست<sup>(۱۰)</sup> و زن باید از او تمکین

کند و نیز شوهر می‌تواند زن را از شغلی که منافق مصالح خانوادگی است، باز دارد.

نکته اساسی در این مسئله آن است که به تعبیر بسیاری از علما، قوامیت و ریاست شوهر بر زن تنها مربوط به حوزه مسائل خانواده و همسررداری است و فراتر از آن نمی‌رود؛ زیرا ریاست او بر خانواده، ثمره ایجاد رابطه زوجیت در راستای حفظ و رعایت مصالح خانواده است.

علامه سید محمد حسین فضل‌الله در این باره می‌نویسد: «برخی در مصداق ریاست مرد بر زن توسعه می‌دهند تا شامل هر چیزی بشود، به طوری که مرد قائم به کارها و امور مختلف زن گردد و زن هیچ ولایت و ریاستی بر امور خویش نداشته باشد، ولی ریاست در مفهوم ما شامل هر چیزی نمی‌شود؛ بلکه مختص به دایره زوجیت و رابطه همسری است.»<sup>(۱۲)</sup>

ایشان در جای دیگر می‌نویسد: «اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند، به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی مختل شود.»<sup>(۱۳)</sup>

قانون‌گذار مدنی نیز که در ماده ۱۱۰۵ مقرر کرده است: «در روابط زوجین ریاست خانواده از خصائص شوهر است»، ریاست مرد را تنها به روابط زوجین محدود کرده و دلیل دیگری در قانون برای گسترش قلمرو ریاست شوهر بر زن ذکر نشده است.

در مقابل این دیدگاه، برخی فقها مانند مرحوم صاحب جواهر عقیده دارند که زن موظف به اطاعت به طور مطلق از شوهر است. ایشان در این باره، به مفاد برخی روایات استناد کرده است؛ مانند روایتی از پیامبر ﷺ به این مضمون که روا نیست انسانی برای انسان دیگر سجده کند و اگر جایز می‌بود، هر آینه زن به سجده کردن شوهرش مأمور می‌گشت.<sup>(۱۴)</sup>

همچنین روایتی که بر لزوم تمکین و اجابت خواسته جنسی شوهر دلالت دارد<sup>(۱۵)</sup> و نیز روایاتی که بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دلالت می‌کند<sup>(۱۶)</sup>، مورد تمسک وی قرار گرفته است.

اما باید اعتراف نمود به تعبیر برخی از علمای معاصر<sup>(۱۷)</sup>، تنها چیزی

که به طور مسلم از این روایات برای اطاعت زن از شوهر استفاده می‌شود، مطیع بودن زن در حق استمتاع و کامجویی شوهر است؛ یعنی زن باید در این باره خود را در اختیار او قرار دهد و بدون عنبر شرعی یا عقلی، حق امتناع ندارد و اگر بخواهد در این مورد امتناع کند یا از خانه خارج شود، نیاز به اجازه و رضایت شوهر دارد. از همین روست که بسیاری از فقها قائل به انحصار حقوق زوج در حق استمتاع و حق مساکنت (لزوم مسکن گزینی زن در منزل شوهر برای بر آوردن خواست او) می‌باشند.

بیشتر فقهای معاصر نیز در این زمینه عقیده دارند، قوامیت شوهر بر زن و اطاعت زن از شوهر، تنها در حقوق زناشویی و بیرون رفتن از منزل است و در امور دیگر اطاعت از او واجب نیست.<sup>(۱۸)</sup>

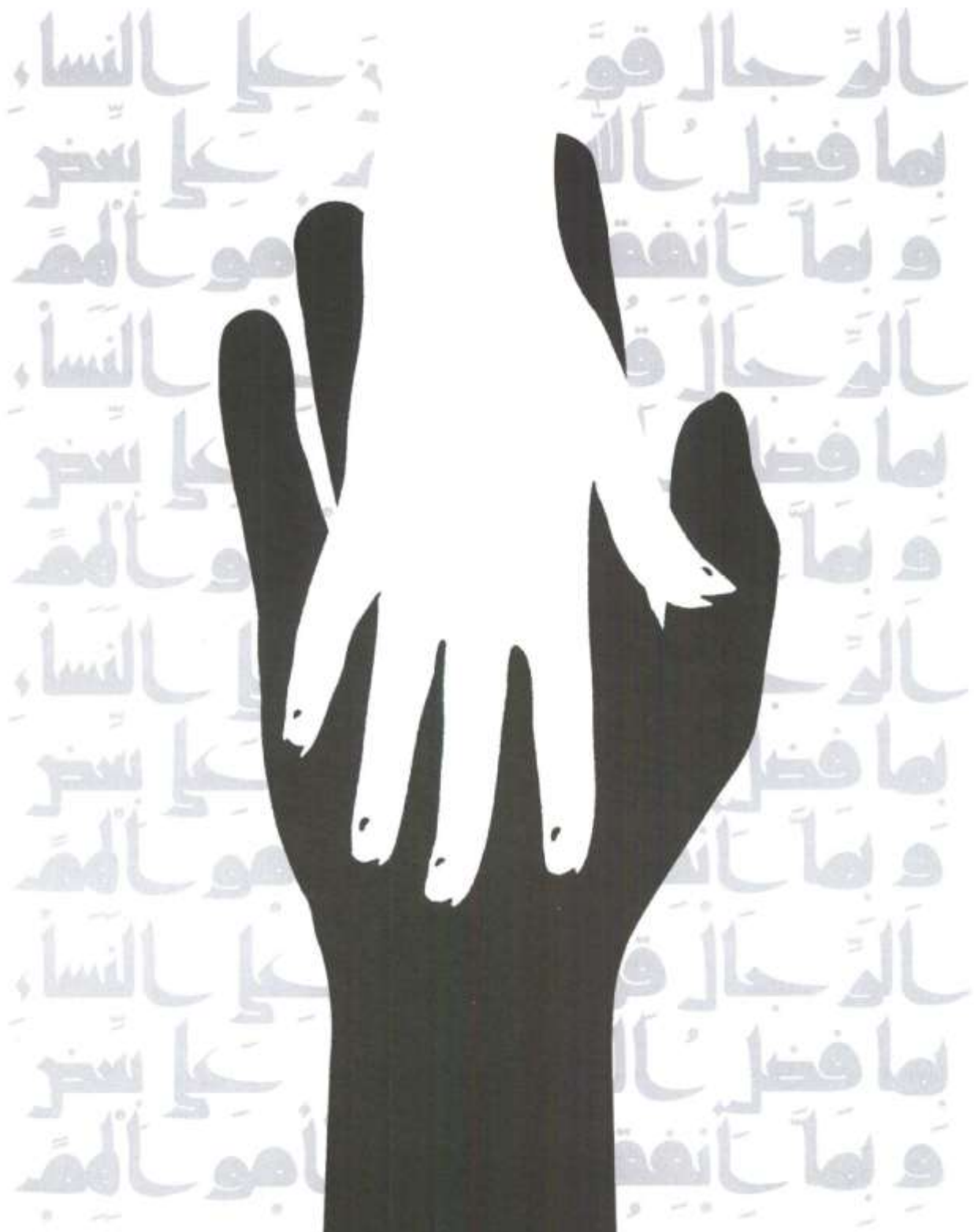
### ■ ریاست شوهر و امور مالی زن

هر چند دین اسلام زنان را از دغدغه اقتصاد خانوار رها ساخته و حتی جانب زنان بر مردان در اعطای انواع لطف و مرحمت مانند وجوب نفقه، اعطای مهریه به آنان، مقدم داشتن دختران و رسیدگی به امور مادی آن‌ها، ترجیح داده است، ولی اصل مالکیت و استقلال مالی آنان را به رسمیت شناخته است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبُواْ وَ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَتَبْنَ﴾.<sup>(۱۹)</sup>

در حقوق ایران نیز به پیروی از فقه اسلامی، زن از نظر مالی مستقل و دارای اهلیت تصرف شناخته شده است. ماده ۱۱۱۸ قانون مدنی در این باره می‌گوید:

«زن مستقلاً می‌تواند در دارایی خود هر گونه تصرفی را که می‌خواهد بکند. در مقابل، شوهر نیز باید این حق زن را به رسمیت بشناسد و حق ندارد در اموال و دارایی او مداخله نماید؛ زیرا ریاست او بر خانواده اختیاراتی برای وی در این زمینه ایجاد نمی‌کند.»<sup>(۲۰)</sup>

این در حالی است که در اروپا بیش از قرن بیستم، در حقوق بسیاری از کشورهای اروپایی از جمله فرانسه، زن در برابر شوهرش فاقد استقلال مالی بود و بعد از ازدواج تمام اموال او تحت حاکمیت رئیس خانواده؛ یعنی شوهر قرار می‌گرفت تا اینکه از اواخر قرن



بیستم، به مرور در قوانین این کشورها تغییراتی حاصل شد و زنان در سایه آن استقلال مالی یافتند.

در قوانین اسلامی، علاوه بر اینکه زن استقلال مالی یافته است، برای تأمین مایحتاج زندگی خود و فرزندانش نیز مسئولیتی ندارد و بدون اینکه لازم باشد خانه را ترک کند و به کسب معاش بپردازد، صاحب اندوخته‌های بی‌دردسری چون مهریه، نفقه - با همه گستردگی آن، شامل خوراک، پوشاک، مسکن و کلیه مایحتاج عرفی زن - می‌شود. همچنین می‌تواند اجرت المثل کارهای خانگی و شیر دادن به کودکان را نیز بنا بر نص صریح قرآن، در صورت تمایل دریافت کند؛ همچنان که قرآن کریم می‌فرماید: ﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأْتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ﴾<sup>(۳۲)</sup>؛ «اگر مادر پذیرفت که فرزند خویش را شیر دهد، بر شما لازم است اجرت دادن آنان و به امور خانواده و مسائل مربوط بین خود، به خوبی و معروف بپردازید».

این حمایت‌های مالی از زن و معافیت او از مسئولیت اداره خانواده در اسلام، برای نیل به هدفی بزرگ و مقدس صورت گرفته و آن پرورش و تربیت فرزندان است. مادری کردن به صورت تمام وقت که امروز در حوزه زیست‌شناسی و روان‌شناسی در صورت مصونیت مادر از تنش و اضطراب، به عنوان عامل رشد سالم قوای روحی و ذهنی و سلامت جنین در آینده مطرح است، از دلایل واگذاری مسئولیت تأمین نفقه و هزینه زندگی زن توسط مرد شناخته شده است.<sup>(۳۳)</sup>

### ■ ریاست خانواده در کلام بزرگان

آیت‌الله جوادی آملی در مورد قوامیت و ریاست مردان در خانواده می‌نویسد:

در اصول بنیادی تقرب و تکامل، بین زن و مرد فرقی نیست. برای مثال وقتی که زن در مقابل مرد و مرد در مقابل زن به عنوان دو صنف مطرح است، هرگز مرد قوام و قیم زن نیست. ﴿الرُّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾، مربوط به آنجایی است که زن در مقابل شوهر و شوهر در مقابل زن باشد... علاوه بر آنکه قوام بودن، نشانه کمال و تقرب الی‌الله نیست... این مدیریت، فخر معنوی

نیست؛ بلکه یک کار اجرایی است. این چنین نیست که آن کس که رئیس یا مسئول و قوام شد، به خدا نزدیک‌تر باشد؛ بلکه آن فقط یک مسئولیت اجرایی است... و چون مسئول تأمین هزینه، مرد است، سرپرستی داخل منزل هم با مرد است؛ اما چنین نیست که از این سرپرستی بخواهد مزیتی هم به دست آورد و بگوید من چون سرپرستم، پس افضل هستم. روح قیوم و قوام بودن، وظیفه است و این چنین نیست که قرآن به زن بگوید تو تحت فرمان مرد هستی؛ بلکه به مرد می‌گوید تو سرپرستی زن و منزل را بر عهده بگیر.

ایشان در ادامه بحث می‌فرماید: هرگز ﴿الرُّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ﴾ نیامده است فتوای یک جانبه بدهد و به مرد بگوید تو فرمانروا هستی و هر چه می‌خواهی، بکن؛ چون اگر مرد از محل کار بیرون بیاید و به منزل نرود، قوام و فرمانروا و مدیر نیست. بنابراین اگر اسلام، این دو حکم الزامی را در کنار هم ذکر می‌کند، به زن دستور تمکین می‌دهد و به مرد دستور سرپرستی می‌دهد؛ تنها بیان وظیفه است و هیچ یک نه معیار فضیلت است نه موجب نقص.<sup>(۳۴)</sup>

استاد محمدتقی جعفری نیز برای اداره خانواده، چهار صورت را ارائه می‌کند: زن و مرد با هم سرپرستی را به عهده گیرند؛ سرپرستی خانواده به عهده زن باشد؛ حالت پدرسالاری؛ نظام شورایی برای اداره خانواده یا سرپرستی و مأموریت اجرایی مرد.

ایشان عقیده دارند: «این حالت (چهارم) برای اداره منطقی خانواده، شرط لازم و فوق‌العاده با اهمیت است، به شرط آنکه طرفین شورا، حتی در خانواده‌هایی که فرزندان آنان نیز رشد یافته و از معلومات و تجارب مفید برخوردار شده‌اند؛ اعضای شورا با کمال تقوا و عدالت و بی‌طرفی از تمایلات شخصی در اداره خانواده دست به کار شوند. مسلم است که کار اجرای تصمیم‌های اخذ شده در شورا، در نتیجه گیری محض خلاصه نمی‌شود؛ بلکه بایستی این نتیجه به مرحله اجرا در آید. این عامل اجرا در ایدئولوژی اسلام، مرد معتدل است که با کلمه سرپرست و مسئول که معنای «قوام» است؛ تعبیر شده است.»<sup>(۳۵)</sup>

رشید رضا از علمای اهل سنت به نقل از استادش شیخ محمد عبده



گفته است: «منظور از قیام در این آیه، ریاست است؛ ریاستی که مرئوس (زن) به اختیار و اراده خودش تصرف می‌کند و معنایش این نیست که مرئوس مقهور و مسلوب الاراده باشد و عملی را بدون دستور رئیس خود انجام ندهد؛ زیرا مقصود از قیام بودن شخصی بر دیگری، این است که راهنما و مراقب او باشد.»<sup>(۳۷)</sup>

احمد الکیسی، متفکر عراقی هم بر این باور است که قوامیت یک تکلیف است، نه اشراف و امتیاز؛ هزینه است، نه بهره و در حقیقت الزام مرد به تلاش و واداشتن او به کار و کوشش می‌باشد.<sup>(۳۸)</sup>

در اتمام کلام وی باید گفت، هر چند قوامیت بیش از آنکه یک حق تلقی شود، یک تکلیف به شمار می‌آید، ولی ابزار لازم ادای تکلیف نیز باید در اختیار مرد قرار بگیرد؛ یعنی این تکلیف، حقوقی را نیز به دنبال خود می‌آورد؛ زیرا اگر کسی نسبت به کسانی مسئول و یا متصدی امری شد، دیگران نیز در مقابل او تکلیفی دارند و باید با انجام وظایف خود او را در انجام مسئولیت یاری رسانند.

به عنوان مثال عدم خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، یکی از مسائلی است که به منزله قبول چتر حمایتی مرد از همسر و خانواده تلقی می‌شود که در فقه توجه خاصی نسبت به آن مبذول شده است. امام خمینی تقدیر در تحریرالوسیله می‌فرماید: «از جمله حقوق مرد بر زن، این است که زن اطاعت شوهر را بنماید و معصیت و سرپیچی از او ننماید و از منزلش بدون اجازه شوهر خارج نشود.»<sup>(۳۹)</sup> به نظر می‌رسد هر چند زن ملزم به کسب اجازه از همسر برای خروج از منزل است، اما اگر مرد نیز بدون عذر شرعی و عرفی زن را از خروج از منزل یا برای دیدن والدین و... نهی کند؛ در این صورت، این عمل وی مصداق ظلم به زن محسوب می‌شود که با سفارش قرآن مبنی بر معاشرت معروف<sup>(۴۰)</sup> با زنان منافات دارد.

استاد شهید مرتضی مطهری نیز در مورد فلسفه اعطای قوامیت خانواده به مرد می‌نویسد:

استاد مطهری در نحوه تقسیم فضایل و وظایف نیز می‌گوید: «اعجاز خلقت را ببینید که دو تمایل در مرد و زن قرار داده است؛ در مرد حس تسلط بر زن وجود دارد و در زن نیز حس تسلط بر مرد وجود دارد، ولی اعجاز خلقت این دو حس تسلط را طوری آفریده است که نه تنها تضاد و نزاع یا یکدیگر پیدا نمی‌کنند؛ بلکه منجر به وحدت بیشتر نیز می‌شود... دستگاه عجیب خلقت که هدفش یگانگی دو روح است، این تدبیر را به کار برده که در مرد حس تسلط بر زن را از بالای سر زن قرار دهد و از طریق حاکمیت ظاهری خانه و خانواده، و در زن حس تسلط بر مرد را از طریق قلب... مرد از راه قهرمانی می‌خواهد حاکم باشد و زن از طریق جمال و زیبایی زنانه... در اینجا است که دو حس تسلط یکی در زن و یکی در مرد هست، ولی چون از دو راه مختلف می‌آیند، حس تسلط مرد از بالای سر زن و حس تسلط زن از قلب مرد سر درمی‌آورد؛ این دو حس تسلط با یکدیگر جنگ نمی‌کنند که هیچ، یکدیگر را هم تأیید می‌کنند و منجر به وحدت و یگانگی و صفا و صمیمیت کامل میان این دو می‌شود.»<sup>(۴۱)</sup>

با توجه به دیدگاه‌های مطرح شده، می‌توان دریافت که ریاست و قوام بودن مرد به مسئولیت و تکلیف و حمایت برمی‌گردد و نه حکومت و سلطه ظالمانه که این امر با اوضاع، شرایط، مقتضیات و مصالح خانواده در جهت استواری و پویایی مطابقت دارد. از این رو، برخی حتی به جای واژه «ریاست شوهر»، عنوان «سرپرستی»<sup>(۴۲)</sup> یا «مدیریت»<sup>(۴۳)</sup> را به کار برده یا پیشنهاد کرده‌اند؛ زیرا واژه سرپرست و به ویژه مدیر، بعد تکلیفی این موقعیت مرد را بیشتر و بهتر نمایان می‌سازد، بر خلاف لفظ ریاست که بیشتر جنبه برتری و امتیاز را می‌رساند.<sup>(۴۴)</sup>

بنابراین شریعت اسلام همان طور که برای تشکیل کانون خانواده، امر را سهل و آسان می‌کند؛ در حفظ و تداوم آن نیز با توجه به جایگاه و موقعیت و ویژگی‌های زن و مرد قوانین و مقرراتی را وضع نموده تا زن و مرد، در سایه عمل به وظایف خود بتوانند یک زندگی پایدار و توأم با آرامش داشته باشند. یکی از قوانین مهم در

این راستا مسئله قومیت مردان بر خانواده است که بررسی همه جانبه آن نشان می‌دهد که این امر بیشتر به مسئولیتی سنگین شبیه است تا حق و امتیازی یک طرفه برای مرد؛ زیرا در مقابل ریاست خانواده، مردان عهده‌دار بار مالی خانواده و مسئول تأمین نیازمندی‌های مالی و غیر مالی اعضای خانواده بر اساس مصالح هستند. این در حالی است که زنان نیز با پذیرش قومیت مردان در خانواده، دارای امتیازی شده‌اند و مسئولیت سنگین امور مالی خانواده از دوش آن‌ها برداشته شده است. در مقابل این امتیاز زنان، امتیاز دیگری به مردان داده شده و آن حق سرپرستی خانواده در مقابل مسئولیت دادن نفقه است. بنابراین قومیت مردان و تمکین زنان در مقابل آن‌ها، تسخیری متقابل در خانواده است و این تقسیم‌بندی بر اساس ویژگی‌های جسمانی و روحی آن‌هاست. به بیان دیگر، ریاست و قومیت مرد در وهله اول یک مسئولیت تلقی می‌شود و در وهله دوم به صورت یک موقعیت برتر و دارای امکانات و اختیارات خاص در جهت انجام وظایف ناشی از این مسئولیت مورد ملاحظه قرار می‌گیرد. این امر با هدف ازدواج زن و مرد؛ یعنی به وحدت رسیدن و یکی شدن در راه تکامل روحانی تناسب بیشتری دارد.

#### پی‌نوشت:

۱. تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۱۱۸، ذیل آیه ۴۶ سوره هود.
۲. نساء (۴): ۳۴.
۳. من لایحضره الفقیه، ج ۴، ص ۳۷۸. در توضیح می‌توان گفت تعبیر خادم در اینجا، تعبیری مجازی و به معنای خدمت‌گزار می‌شود. نسبت به افراد تحت سرپرستی خود و به معنای واقعی خود است که افراد زیر مجموعه مسئول، بتوانند به وی امر و نهی کنند البته این امر و نهی به مسئول به معنای سلب اختیار از وی نیست.
۴. جامعه‌شناسی همچون مینوچین و جی‌لی وجود سلسله مراتب شفاف و صریح در خانواده را پیش فرض کارایی خانواده در نظر می‌گیرند. رکنه مفاهیم و تئوری‌های کلیدی خانواده درمانی، زیمون، مترجم: سعید بیرمرادی، ص ۲۲۵.
۵. مانند روزه مستحبی فرزند بدون رضایت والدین.
۶. حقوق مدنی خانواده، ناصر کاتوزیان، ج ۱، ص ۲۲۴.

۷. نهج البلاغه، خطبه ۴۰.
۸. نساء (۴): ۳۴.
۹. رکنه: المیزان، ذیل آیه ۳۳ سوره نساء.
۱۰. ماده ۳۲ قانون ثبت احوال.
۱۱. ماده ۱۰۰۵ قانون مدنی.
۱۲. مواد ۱۱۰۶ و ۱۱۹۶ قانون مدنی.
۱۳. ماده ۱۱۰۷ قانون مدنی.
۱۴. تأملات اسلامیة حول المرأة، سیدمحمد حسین فضل الله، ص ۱۱۳.
۱۵. دنیا المرأة، همان، ص ۹۱.
۱۶. بخار الانوار، ج ۱۷، ص ۳۷۷ و ۳۹۹.
۱۷. وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۱۱۱ و ۱۱۲.
۱۸. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۱ و ۱۱۳.
۱۹. استفتاات، امام خمینی، ج ۳، حقوق زوجیت، ص ۸ استفتاات، آیت الله تبریزی، ص ۱۵۵۷؛ استفتاات، آیت الله مکارم، ج ۲، ص ۹۶۹؛ آیت الله وحید خراسانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۴۰۷؛ هدایة العباد، آیت الله صافی گلپایگانی، ج ۲، النشوز؛ جامع المسائل، آیت الله فاضل لنکرانی، ج ۱، ص ۱۶۷۳؛ دفتر مقام معظم رهبری علیه السلام و آیت الله نوری همدانی و آیت الله بهجت.
۲۰. همان.
۲۱. نساء (۴): ۳۲.
۲۲. مختصر حقوق خانواده، سید حسین صفائی و اسدالله امامی، ص ۱۲۴ و ۱۲۵.
۲۳. طلاق (۶۵): ۵.
۲۴. مقاله قومیت مردان بر زنان در خانواده، ص ۱۴۷، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، ابراهیم سجادی، ش ۲۵ و ۲۶.
۲۵. زن در آئینه جلال و جمال، عبدالله جولادی املی، ص ۳۶۷.
۲۶. ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، محمدتقی جعفری، ص ۲۶۷ و ۲۶۸.
۲۷. تفسیر المنار، محمد رشیدرضا، ج ۵، ص ۶۹.
۲۸. فلسفه نظام الاسرة فی الاسلام، احمد الکیسی، ص ۱۱۷ و ۱۱۸.
۲۹. تحریر الوسیلة، امام خمینی، کتاب النکاح، فصل فی القسم و النشوز و الشقاق.
۳۰. نساء (۴): ۱۹.
۳۱. رویکردی نوین در روابط خانواده میرخانی، ص ۱۵۵ و ۱۵۶.
۳۲. تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۴۱۱؛ بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن، سیدمصطفی محقق داماد، ص ۲۸۸.
۳۳. تعادل و استحکام خانواده، مجید رشیدیپور، ص ۷۱.
۳۴. ریاست خانواده، محمد مهدی مقدادی، ص ۴۶.